

بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی - 29 / خرداد / 1391

بسم الله الرحمن الرحيم

تبریک عرض میکنیم این عید بزرگ را به شما حضار محترم این جلسه باشکوه؛ بخصوص به میهمانانی که از کشورهای دیگر در این جلسه حضور دارند، و به سفرای محترم کشورهای اسلامی. همچنین تبریک عرض میکنیم به ملت بزرگ ایران، که بعثت را، حرکت را، وجهی کار خودشان قرار دادند و در پی تحقق اهداف بزرگ بعثت خاتم الانبیاء، مجاهدت کردند و زحمات را به جان خریدند و بحمدالله مشمول وعدهی الهی هم شدند؛ که خدای متعال وعدهی فتح و پیشرفت و سعادت را به ملت‌هایی که در این راه حرکت کنند، داده است؛ و وعدهی خدای متعال غیرقابل تخلف است. همچنین تبریک عرض میکنیم این عید بزرگ را به امت اسلام؛ که امروز بعد از ده‌ها سال تجربه، رویکرد امت اسلام به دین محمدی (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله) است. بعد از آنکه روشنفکران و نخبگان و پیشروان ملت‌های مسلمان در طول سال‌های متمادی، مکتبها و داعیه‌ها و ایسم‌های شرقی و غربی را تجربه کردند و ناکامی و عقیم بودن آن تجربه‌ها را دریافتند، امروز توجه و اقبال امت اسلامی به مضمون بعثت و اهداف بعثت پیغمبر است. امروز برای آنها روز مبارکی است و امیدواریم که همه‌ی بشریت از برکات این بعثت برخوردار شوند.

آنچه من امروز عرض میکنم، این است که بعثت دارای ابعاد و جهاتی است. رشته‌های نوری که از این حادثه بر بشریت تابیده است، یکی دو تا نیست؛ لیکن امروز بشریت به دو جریان ناشی از بعثت نیاز تام دارد: یکی برانگیخته‌شدن فکر و اندیشه است، و یکی تهذیب اخلاق. اگر این دو تأمین شد، خواسته‌های دیرین بشریت تأمین خواهد شد؛ عدالت تأمین خواهد شد، سعادت تأمین خواهد شد، رفاه دنیا تأمین خواهد شد. مشکل اساسی در این دو بخش است.

فرمود: «بعثت لاتمم مکارم الاخلاق». (۱) یا در قرآن فرمود: «هو الذی بعث فی الاممیین رسولا منهم یتلوا علیهم آایاته و یرزقهم». (۲) بعد از تزکیه است که میفرماید: «و یعلمهم الکتاب و الحکمة». (۳) این یک هدف والاست؛ تزکیه‌ی نفوس، تطهیر دلها، والا کردن اخلاق بشری، نجات دادن انسان از مزبله‌ی گرفتاری‌های اخلاقی و ضعفهای اخلاقی و شهوات نفسانی. این، یک مقصد و یک هدف.

آن مسئله‌ی تفکر هم مسئله‌ی اساسی و مهمی است؛ مخصوص پیغمبر ما هم نیست؛ همه‌ی پیامبران مبعوث شدند تا در بشر نیروی خرد را، نیروی تفکر را احیاء کنند. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در خطبه‌ی نهج‌البلاغه میفرماید: «لیستأدوهم میثاق فطرته و یذکروهم منسى نعمته... و یثیروا لهم دفائن العقول»؛ (۴) پیغمبران مبعوث شدند تا دینه‌ها و گنجینه‌های خرد را در دل و باطن انسانها برآشوبند، آنها را استخراج کنند.

ما آحاد بشر، برای اندیشیدن، استعداد عظیمی در خود نهفته داریم. وقتی فکر نمیکنیم، وقتی مطالعه نمیکنیم، وقتی در آیات الهی تدبر نمیکنیم، وقتی در تاریخ خود، در گذشته‌ی خود، در قضایای گوناگونی که برای بشریت پیش آمده است، در گرفتاری‌های گذشته، در عوامل پیروزی بزرگ برای ملتها، تدبر نمیکنیم، از آن گنجینه‌ی معنوی که خدا در ما قرار داده است، محروم میمانیم؛ «و یذکروهم منسى نعمته... و یثیروا لهم دفائن العقول». امروز بشر به این دو، احتیاج دارد.

جوامع بشری نیاز دارند فکر کنند، بیندیشند، ببینند بدبختی بشر از کجاست؟ در این که ظلم هست، در این که تبعیض هست، در این که منطق دوگانه بر قدرتهای مسلط جهان حاکم است، مگر شکی وجود دارد؟ ظلم بارزی که امروز بر مجموعه‌ی بشریت دارد می‌رود، مشهود همه است. ظلم قدرتهای مسلط بر ملت‌هایی که دستشان از امکانات دفاعی خالی است، جلوی چشم همه است؛ این را مشاهده میکنید. یک قدرتی از هزاران کیلومتر راه بلند میشود می‌آید اینجا در منطقه‌ی ما، بر یک کشوری که دستش خالی است و امکاناتی ندارد، به زور سلطه‌ی خود را تحمیل میکند؛ آن وقت عروسی‌ها را تبدیل به عزا میکنند؛ هلیکوپترهاشان «مرگ» بر سر مردم میریزند. خانه‌های مردم را ویران میکنند، کسی هم نمیتواند به آنها چیزی بگوید؛ عذرخواهی هم نمیکنند! این وضع دنیاست. حتی در کشورهای پیشرفته هم همین جور است. امروز همین مسائل اقتصادی دنیا را که نگاه کنید، می‌بینید وضع همین گونه است. مسئله‌ی امروز اروپا، گره‌گشائی از مردم نیست؛ گره‌گشائی از بانکدارهاست، از سرمایه‌دارهاست، از صاحبان ثروت‌های کلان است. امروز مسئله‌ی آنها این است. آحاد بشر، نوع بشر، برای قدرتهای مسلط مطرح نیستند. اینها یک حقایقی است که در دنیا وجود دارد؛ خوب، بشریت فکر کند ببیند منشأ این کجاست؟ منشأ نظام سلطه است؛ منشأ، وجود دو قطب سلطه‌گر و سلطه‌پذیر است. همچنان که اگر سلطه‌گر وجود نداشته باشد، نظام سلطه از بین خواهد رفت، اگر سلطه‌پذیر هم سلطه‌ی دشمن و سلطه‌گر را نپذیرد، باز این نظام به هم خواهد خورد. اینجاست که تکلیف، تکلیف ملت‌هاست؛ در میان ملتها هم، تکلیف، تکلیف نخبگان است؛ نخبگان سیاسی، نخبگان فرهنگی.

شیطانهای وابسته‌ی به دستگاه‌های استکبار وقتی در هر گوشه‌ای از دنیا یک حرکت بزرگ و آزادیبخش از سوی مردم - که خالص است، ناب است - مشاهده میکنند، تمام نیروشان را متمرکز میکنند که آن حرکت را تبدیل کنند به ضد خود، یا از خاصیت بیندازند. می‌بینید امروز در منطقه‌ی ما چه خبر است. مردم در کشورها انقلاب میکنند برای نجات از وابستگی به آمریکا، برای نجات از ذلت در مقابل تسلط صهیونیسم، برای ابراز نفرت از وجود این غده‌ی

سرطانی در دل کشورهای اسلامی؛ تمام دستگاه‌های سیاسی و اطلاعاتی و مالی استکبار و وابسته‌هایش به حرکت می‌افتد تا حرکت را خنثی کنند. مسئله، اینهاست.

ملت‌ها باید روی پای خودشان بایستند. ملت‌ها باید از نعمت خداداد اندیشه و خرد و تفکر انسانی استفاده کنند. ملت‌ها باید به خودشان اعتماد پیدا کنند؛ به نیروی خودشان، به خدای خودشان اعتماد پیدا کنند؛ حسن ظن به خدا نشان بدهند. خدای متعال وعده کرده است: «لینصرنّ الله من ینصره انّ الله لقویّ عزیز»؛ (۵) این تأکید الهی است. وقتی ملت‌ها بایستند، مقاومت کنند، ایستادگی کنند، قطعاً پیروزند؛ نمونه‌ی زنده‌اش ملت ماست. دشمن با هزاران وسیله و ابزار تبلیغاتی سعی میکند واقعیت‌ها را از چشم مردم دنیا دور کند، اما واقعیت همین است که ما داریم مشاهده میکنیم. در این سی و سه سال، از روز اول به طور دائم انقلاب و ملت و کشور عزیز ما مورد تهاجم بوده است، مورد توطئه بوده است. سیاست‌های مختلف سر کار آمده‌اند؛ در صد مسئله با هم اختلاف داشتند، اما در مواجهه‌ی با انقلاب اسلامی، در ضربه زدن به جمهوری اسلامی، از صحنه خارج کردن این الگوی زنده در مقابل مسلمانها، با شیوه‌های مختلف، همه‌ی آنها با هم شریک بودند! امروز هم همین جور است؛ دست به یکی کرده‌اند، بلکه بتوانند ملت ایران را از صحنه خارج کنند. من به شما عرض بکنم؛ قطعاً و یقیناً در این تلاش‌ها به طور کامل ناکام خواهند ماند.

البته پیروزی، بدون مجاهدت، بدون حرکت، بدون خطرپذیری، امکان ندارد. خدای متعال وعده‌ی پیروزی بدون حرکت به هیچ کس نداده است. صرف مؤمن بودن هم کافی نیست؛ مجاهدت لازم است، صبر لازم است؛ «و لنصبرنّ علی ما ءاذیتمونا» (۶) - این حرف پیغمبران است به مخالفانشان - ما ایستادگی میکنیم. پیغمبران ایستادگی کردند. امروز منطبق پیغمبران با آن همه سرکوبی که علیه آنها انجام گرفته است، منطبق همه‌گیر دنیاست. حرف پیغمبران پیش رفت، منطبق فرعونیان پیش نرفت. این حرکت و این جهتگیری، روزبه‌روز هم بیشتر خواهد شد. صبر لازم است، ایستادگی لازم است. ملت ما این ایستادگی را از خود نشان داد. دشمنان ما نمیخواهند بفهمند و از تجربه‌های گذشته استفاده کنند. آنها باید بدانند که در مقابل این ملت، لجاجت، تکبر، خودبزرگتری، از این ملت توقعات بیجا داشتن، به جایی نخواهد رسید. این ملت ایستاده است، راه را شناخته است، هدف را شناخته است، خود را شناخته است.

درسی که ما از قرآن گرفته‌ایم، درسی که ما از اسلام گرفته‌ایم، درس ایستادگی و مجاهدت و وحدت و اتحاد است؛ اتحاد دل‌ها و دست‌ها با یکدیگر؛ مخصوص ملت ما هم نیست؛ اتحاد در دنیای اسلام. امروز شما ببینید یکی از نقاطی که دشمنان ما بر روی آن به طور کامل تکیه میکنند، برافروختن اختلافات مذهبی است؛ شیعه و سنی. آدم‌هایی که نه به شیعه عقیده دارند، نه به سنی عقیده دارند، نه اصل اسلام را قبول دارند، طبق میل سرویس‌های جاسوسی آمریکا و اسرائیل می‌آیند پشت بلندگوها می‌ایستند، از توسعه‌ی تشیع اظهار نگرانی میکنند! شما چه میفهمید تشیع چیست؟! چه میفهمید تسنن چیست؟! شما به اصل دین اعتقادی ندارید. امروز سیاست استکبار و سیاست

سرویسهای جاسوسی این است که ماها را از هم بترسانند؛ شیعه را از سنی، سنی را از شیعه؛ اختلاف ایجاد کنند. راه غلبه‌ی بر دشمنان، اندیشیدن، فکر کردن، متحد شدن، دلها را به هم نزدیک کردن، دستها را در هم گره کردن است؛ و اینجور است که به فضل پروردگار، «لیظهره علی الدین کله» (۷) پیش خواهد آمد؛ و خدای متعال به فضل خود، به لطف خود، اهداف و دستورات و برنامه‌های این بعثت را بر همه‌ی توطئه‌های دشمن پیروز خواهد کرد.

امیدواریم خداوند متعال روزبه‌روز برکاتش را بر شما، بر ملت ایران، بر امت اسلامی بیشتر نازل کند و روح مطهر امام بزرگوار ما را - که او این راه را به ما نشان داد، او این راه را در مقابل ما باز کرد - با اولیائش و با پیامبران و ائمه‌ی معصومین محشور فرماید.

والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته

(۱) مجموعه ورام، ج ۱، ص ۸۹

(۲) جمعه: ۲

(۳) همان

(۴) نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱

(۵) حج: ۴۰

(۶) ابراهیم: ۱۲

(۷) توبه: ۳۳